

پیامدهای کشته شدن قاسم سلیمانی برای منطقه



قاسم سلیمانی که مردی با تاکتیک‌های ویژه جنگی شمرده می‌شد، به تاریخ ۱۳ جدی در حمله هوایی به دستور رئیس جمهور ترامپ در نزدیکی میدان هوایی بین‌المللی بغداد کشته شد. او رهبری نیروی قدس سپاه پاسداران ایران را به عهده داشت که به عنوان واحد ویژه ایران در خارج ایفای وظیفه می‌کند. بعد از کشته شدن سلیمانی ایران با پرتاب ده ها موشک بالستیک پایگاه‌های امریکا در عراق را در انتقام خون سلیمانی مورد حمله قرار داد.

رئیس جمهور امریکا از کشته شدن قاسم سلیمانی بعنوان یک دست آورد بزرگ یاد کرد و گفت که این کار را برای حفاظت امریکایی‌ها و جهانیان انجام داده است، نخست وزیر عراق با انتشار بیانیه‌ای کشته شدن قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس را به شدت محکوم کرد و آن را نقض حاکمیت ملی عراق و مغایر با شرایط حضور سربازان امریکایی در عراق دانست. مقامات سایر کشورها، سازمان‌های بین‌المللی، گروه‌ها و سازمان‌های حامی ایران کشته شدن سلیمانی را یک ضایعه بزرگ برای ایران خواندند اما کشور های دیگری از کشته شدن سلیمانی به امید کم شدن تنش در منطقه استقبال نمودند.

قاسم سلیمانی کی بود؟

در سال ۱۹۷۹م زمانی که آیت‌الله خمینی به ایران برگشت و در نتیجه «انقلاب اسلامی» شاه سقوط کرد، قاسم سلیمانی به سپاه پاسداران ایران پیوست. او توانست در جنگ خونین ایران و عراق در دهه ۱۹۸۰م خوب بدرخشد و سرانجام در دهه ۱۹۹۰م رهبری نیروی قدس سپاه پاسداران را به عهده گرفت. اما تا زمان حمله نظامی ایالات متحده امریکا به عراق در سال ۲۰۰۳م، سلیمانی زیاد شناخته شده نبود. این جنرال ایرانی به دلیل نظارت از تاکتیک‌های حزب‌الله در جنگ سال ۲۰۰۶م با اسرائیل، مورد ستایش رهبری ایران قرار گرفته بود و همچنین توانست در سال ۲۰۰۸م توافقنامه آتش بس میان گروه ملیشه‌ای شیعه «سپاه مهدی» و اردوی عراق را ممکن سازد. مقام‌های «سی آی ای» او را رهبر کلیدی بلندپروازی‌های ایران در منطقه توصیف کرده اند. به گفته جنرال دوید پتریوس، رئیس پیشین «سی آی ای»، سلیمانی زمانی به او گفته بود: «جنرال پتریوس شما باید بدانید که من، قاسم سلیمانی، سیاست ایران در قبال عراق، لبنان، غزه و افغانستان را مدیریت می‌کنم». او نیروی قدس را به مهم‌ترین بازیگر ایران در لبنان، عراق، سوریه و اراضی فلسطین و چالش با اسرائیل و یمن و حتی امور بحرین تبدیل کرد. آن‌چه امروز از سیاست خاورمیانه‌ای ایران گفته می‌شود، عمدتاً محصول فعالیت‌های نیروی قدس و قاسم سلیمانی است. او نیروی قدس را در کنار توان موشکی سپاه به یکی از دو رکن توان نظامی ایران تبدیل کرد.

سپاه قدس

سپاه قدس در واقع واحد ویژه ایران برای خارج، به خصوص مهم‌ترین بازوی نظامی اطلاعاتی حکومت ایران در شرق میانه است. این نیرو بخصوص (نه صرفاً) برای آموزش و سازماندهی گروه‌های شبه‌نظامی شیعه در کشورهای مختلف تبلیغ و فعالیت می‌کند، با هدف و مقابله با نیروهای شبه‌نظامی سنی فعال در منطقه که به زعم حکومت ایران از حمایت عربستان و کشورهای غربی برخوردارند. سپاه قدس چند دهه است که در کشورهای مختلف آموزش می‌دهد و سازماندهی و تجهیز می‌کند از جمله در عراق (حشد شعبی)، یمن (حوثی‌ها)، سوریه (دولت بشار اسد)، لبنان (حزب‌الله)، غزه و کرانه باختری (گروه جهاد اسلامی)، سلیمانی نقش مهمی در تحکیم منافع ایران در منطقه داشت. او از طریق فراهم ساختن کمک‌های مالی و تدارکاتی به ملیشه‌های شیعه، نفوذ ایران در عراق را تحکیم بخشید. ملیشه‌هاییکه سرانجام متحد شده و گروه بسیج مردمی را تشکیل دادند. در سوریه، نیروهای قاسم سلیمانی از نیروهای رژیم اسد در برابر قیام‌های مردمی بازپس‌گیری مناطق از دست رفته و عقب زدن گروه‌های ملیشه‌ای سنی به شمول «دولت اسلامی» یا داعش کمک می‌کردند. قابل یادآوری است که در جنگ سوریه جنگ‌جویان افغان نیز به همکاری

قدس اشتراک کرده بود به اساس آمار نشر شده، در جنگ سوریه بیش از ۲۵۰۰ افغان کشته شده. حسن حسن، تحلیلگر پرسابقه خاور میانه و نویسنده کتاب «دولت اسلامی در عراق و شام» می‌گوید که قتل سلیمانی منجر به تضعیف مواضع ایران در منطقه به خصوص در سوریه، افغانستان و عراق می‌شود.

سلیمانی چرا کشته شد؟

تعدادی از اطرافیان ترمپ مانند «مایکل فلین» و «جان بولتون» مشاوران سابق امنیت ملی وی و همچنان بنیامین نتانیاهو از اسرائیل و محمد بن سلمان ولی‌عهد سعودی، همه مدام از او خواسته‌اند که علیه ایران دست به اقدام نظامی بزند و برای تغییر رژیم در این کشور تلاش کند. با این حال، ترمپ در سه سال گذشته توصیه‌ی آن‌ها را نادیده گرفت و اصرارش بر این بود که امریکا به دنبال جنگ با ایران نیست. او در عوض گزینه‌ی تحریم اقتصادی را علیه تهران در پیش گرفته بود. هدف ترمپ فلج کردن اقتصاد ایران، مهار جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای خامنه‌ای و مجبور کردن تهران به بازگشت به میز مذاکره برای امضای توافق دیگر بود. ولی در این اواخر دولت ترمپ شاید به این نتیجه رسیده که سیاست «فشار حداکثری» واشنگتن در برابر تهران شکست خورده است. این سیاست شاید به ایران آسیب وارد کرده باشد اما نتوانست رهبری متخاصم این کشور را منزوی کند. حمله‌ی عناصر نیابتی ایران به سفارت امریکا در بغداد در اواخر ماه دسامبر یادآور دو رویداد تحقیرآمیز برای واشنگتن بود؛ اولی تصرف سفارت امریکا در سال ۱۹۷۹م در تهران و دومی حمله سال ۲۰۱۲م به مجتمع دیپلماتیک ایالات متحده در بن‌غازی لیبیا. تصرف سفارت امریکا در تهران روحیه دولت کارتر را و حمله‌ی بن‌غازی روحیه دولت اوباما را تضعیف کرد. دولت ترمپ از ترس تکرار این سناریو در بغداد، ادعا می‌کند که ترور سلیمانی به هدف محافظت از جان امریکایی‌ها از حملات آینده بوده است نه به هدف شروع جنگ با ایران. یا آن‌طور که بدبین‌ها می‌گویند، ترور سلیمانی به منظور محافظت از ریاست‌جمهوری ترمپ از طریق منحرف کردن توجهات از استیضاح وی در جریان سال صورت گرفته است که قرار است انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده برگزار شود. در هر صورت، ترور سلیمانی از یک سو نشان می‌دهد که تمرکز ترمپ دیگر روی سیاست تحریم نیست و از سوی دیگر نشان می‌دهد که او آماده است در کنار قدرت اقتصادی ایالات متحده، از توان نظامی این کشور نیز استفاده کند. اما آنچه کاملاً مسلم است اینکه هیچکدام از طرفین متخاصم (امریکا و ایران) طرفدار جنگ تمام عیار و رودررو نیستند.

سیاست ایران بعد از مرگ سلیمانی

ایران از همان ابتدا، خروج ترمپ از «برجام» را زورگویی غیرقابل قبول خواند. درحالی که تحریم‌های امریکا صادرات نفتی این کشور را مختل و اقتصادش را ورشکسته کرد، در مقابل تهران حملات نیابتی خود را گسترش داد و دارایی‌ها و منافع متحدین ایالات متحده را در منطقه از جمله با حمله به نفت‌کش‌ها در خلیج فارس و تأسیسات نفتی عربستان

سعودی هدف قرار داد. آخرین مورد، حملات گروه‌های تحت حمایت ایران به مواضع امریکا در عراق بود. تهران همچنین اتحادهای استراتژیک جدیدی را با روسیه و چین ایجاد کرده است و این دو کشور را در اواخر ماه دسامبر ۲۰۱۹م وارد رقابت‌های جدید در خلیج عمان ساخت. ترور سلیمانی هیچ یک از این سیاست‌های دوگانه‌ی ایران را تغییر نخواهد داد. بلکه منجر به تقویت این سیاست‌ها خواهد شد. نگاهی به تاریخ نشان می‌دهد که ایران حمله به سلیمانی را هضم و از جنگ تمام‌عیار با نیروهای نظامی امریکا که برتری‌شان با ایران غیرقابل مقایسه است، خودداری خواهد کرد. ترمپ در بیانیه‌ی که پس از حمله ایران به اهداف نظامی امریکا در عراق داشت رهبران ایران را به میز مذاکره دعوت کرد، اما رهبران ایران، جنگ در سایه‌ها (به واسطه گروه‌های طرفدار در منطقه) را ترجیح می‌دهد. ایران ترور سلیمانی را بی‌پاسخ نگذاشت. ترور، عملیات‌های پنهانی، درگیری‌های پراکنده و مختل کردن انتقال نفت و دریانوردی در منطقه‌ی خلیج فارس، از جمله‌ی گزینه‌های روی میز ایران است. اما ظاهراً چنین به نظر می‌رسد که ایران به اساس یک تفاهم اعلان نشده با حریفش امریکا، به پرتاب چند موشک بر پایگاه‌های امریکایی در عین‌الاسد و فرودگاه اربیل بسنده نموده است. جانب امریکا که طی این حملات موشکی تلفات انسانی‌ای نداشته است، خودش را برنده حساب می‌کند. اما اگر ایران موفق گردد از طریق دسته‌های طرفدار خودش در عراق، امریکا را به خروج از آنجا مجبور سازد؛ در این کشمکش دست بالاتری خواهد داشت.

تاثیرگذاری مرگ سلیمانی بر پروسه صلح افغانستان

کشته شدن قاسم سلیمانی دومین مرد قدرتمند ایران توسط نیروهای امریکایی، تاثیر منفی بر روند صلح دولت افغانستان با گروه طالبان، می‌تواند داشته باشد. تهران و واشنگتن به گونه غیرمستقیم در افغانستان تقابل خواهند کرد که آسیب آن را مردم افغانستان خواهند دید. ایران پیش از این هم به گروه‌های مسلح در افغانستان کمک نظامی کرده است و در صورت افزایش تنش میان ایران و امریکا، این کشور کمک‌هایش را افزایش خواهد داد. اگر تنش موجود میان امریکا و ایران ادامه یابد، ایران از طالبان و دیگر گروه‌ها به‌هدف استفاده در جنگ نیابتی‌اش کار خواهد گرفت. این در حالی است که چند روز قبل مایک پمپئو، وزیر خارجه امریکا گفت که ایران به‌گونه فعالانه از برخی گروه‌های نظامی در افغانستان حمایت می‌کند.

موضوع دیگری که در پیوند به‌تنش‌های اخیر میان ایران و امریکا مطرح است، استفاده طالبان از این وضعیت به‌عنوان یک هرم فشار است. امریکا تلاش می‌کند که گفت‌وگوهای جاری میان این کشور و طالبان هر چه زودتر و با شرایط امریکا به نتیجه برسد. اما طالبان در مقابل تلاش می‌کنند که در این گفت‌وگوها دست بالاداشته و امتیازات بیشتری به‌دست آورند.

نتیجه گیری

اکنون که تهران و واشنگتن آشکارا تبادل آتش کرده‌اند، منازعه‌ی این دو کشور در سایه ادامه خواهد یافت، جایی که ۴۰ سال ادامه داشته است و جایی که در آن سپاه پاسداران ایران هنوز هم به دنبال گرفتن انتقام خون سلیمانی از ایالات متحده خواهد بود. با این حال، ایران اکنون پس از ترور قاسم سلیمانی می‌داند که هرگونه حمله از جانب تهران و حتا عناصر نیابتی ایران، می‌تواند منجر به حمله‌ی دیگری از جانب ایالات متحده شود. آنچه که در کوتاه مدت دست و پای ایران را بسته است، فشار ناشی از سقوط غیر عمدی هوا پیمای اوکراینی است که توسط موشک سپاه پاسدار مورد حمله قرار گرفته و باعث مرگ تمامی سرنشینان و عملۀ هوا پیمای گردیده است. دیده شود که دیپلوماسی ایران تا چه حدی در اقناع اطراف مختلف؛ عم از اوکراینی، کانادایی، افغان و دیگران موفق بدر آمده و با حد اقل تعویضات و خسارات از آن بیرون می‌آید. این حادثه با حادثۀ قتل قاسم سلیمانی و عمل جوابی ایران در برابر آن، تفاوت زیاد دارد. حادثۀ سقوط غیر عمدی هوا پیمای اوکراینی؛ پیامدهای سیاسی، اقتصادی و انسانی دراز مدتی دارد که بر خلاف حادثۀ اول، اطراف زیادی را علیه ایران قرار خواهد داد.

د ۱۳۹۹ کال بودیجه او د ۹۱ کوډ ستونزه



څو ورځې وړاندې د حکومت لخوا د ۱۳۹۹ز کال لپاره د بودیجې چمتو شوې طرحه ولسي جرگې ته له وړاندې کېدو وروسته د ولس استازو لخوا رد شوه. د ولسي جرگې لخوا د روان کال بودیجې طرحې رد کېدو لاملونو او د ۹۱ کوډ څېړلو په اړه په دې تحلیل کې شننه شوې.

د ملي بودیجې جوړېدو کړنلاره

په افغانستان کې د ملي بودیجې طرحه چې لومړی د مالیې وزارت لخوا چمتو کېږي او بیا کابینې ته وړاندې کېږي. د کابینې له تائید وروسته د بودیجې طرحه مشرانو جرگې ته ځي. د مشرانو جرگې له تائید وروسته ولسي جرگې یا پارلمان ته د تائید خپلولو لپاره وړاندې کېږي. پارلمان چې د هېواد په کچه د ولس استازي پکې راغونډ وي، د بودیجې طرحه په هر اړخیزه توګه څېړي. ترڅو ولیدل شي چې د روان کال په بودیجه کې عادي او پراختیایي بودیجه په سمه توګه اټکل شوې او که نه؟ د ولایتونو په کچه بودیجه څومره متوازنه ده؟ او د بودیجې اړوند یو شمېر نور اړخونه د ولس استازي د یو لړ بحثونو ترسره کېدو په ترڅ کې په هر اړخیزه توګه څېړي. په تېرو څو کلونو کې لیدل کېږي چې د حکومت لخوا د بودیجې چمتو شوې طرحه د یو لړ بحثونو او نیوکو ترسره کېدو وروسته د مشرانو جرگې او ولسي جرگې لخوا پاس کېږي. او تر ډېره هغه نیوکې چې د بودیجې په برخه کې د ولس استازي لري یوازې د کاغذ پر مخ پاتې کېږي. د بودیجې اړوند نیوکې او مشورې چې د ولس استازي یې د حکومت پر وړاندې ږدي، د نه پاملرنې او نه عملي کېدو

لاملونه يې څرگند دي. د بېلگې په توگه ډېری وکیلان د بودیجې په برخه کې کافي معلومات نه لري، او نه شي کولی په اغېزناکه توگه د بودیجې اړوند ستونزې د حکومت سره مطرح کړي. بله دا چې په ولسي جرگه کې داسې کسان هم شتون لري چې د ولس په حقيقي رايو نه دي ټاکل شوي، بلکې خپلو شخصي او سياسي گټو ته په کتو د بودیجې طرحه ردوي او يا يې پاس کوي. تر دې مهاله لیدل کېږي د ولس هغه استازي چې د بودیجې په برخه کې اړوند معلومات لري او يا د مثبتو بدلونونو غوښتونکي دي د هغوی غوښتنې او نیوکې پر ځای پاتې کېږي. د روان کال بودیجې شمېرو ته په کتو لیدل کېږي، چې دا ځل ملي عواید هم په اغېزناکه توگه لوړ شوي او په ملي بودیجه کې يې ونډه زیاتوالی ښيي. مگر بیا هم ولسي جرگې د روان کال بودیجه د حکومت لخوا د احتیاطي کوډونو په اړه د جزیاتو نه ورکول، په ځانگړې توگه ۹۱ کوډ ته لېږدول شوې پیسې، او د حکومت لخوا ولسي جرگې ته د بودیجې طرحې په ځنډ لېږل هغه ستونزې یادوي چې د بودیجې تصویب يې له ځنډ او ځنډ سره مخ کړی.¹

د ۹۱ ځانگړی کوډ

ولسي جرگه تور پورې کوي، چې د افغانستان بانگ څخه په غیر قانوني توگه ۱۵ میلیارده افغانۍ ۹۱ کوډ ته په غیر قانوني توگه لېږدول شوي دي او د تېر کال پراختیایي بودیجه کې هم د پام وړ بدلون راغلی. خو د مالیې وزارت ویاند شمرز خان مسجدي بیا په دې اړه وايي: چې د بودیجې اړوند اصول نامې د ۱۶ مې مادې له مخې د مالیې وزارت د بودیجې اړوند کمیتې پرته هم د دې پرېکړې کولو واک او صلاحیت لري، ترڅو په احتیاطي کوډونو کې بدلونونه او تعدیلات رامنځ ته کړي. د اصول نامې ۲۱ باب چې د معاشاتو په اړه دی، د مالیې وزارت نه شي کولی د معاشاتو برخې څخه نورو کوډونو ته پیسې ولېږدوي، مگر امنیتي ادارې له دې باب څخه مستثنی دي. یعنې د مالیې وزارت کولی شي حتی د معاشاتو څخه هم د اړتیا پر وخت امنیتي ادارو ته پیسې ولېږدوي.² د مالیې وزارت هغه تورونه چې د ولس استازو لخوا لگول شوي په همدې بنسټ ردوي. یعنې د ۹۱ کوډ څخه د ۳.۱ میلیارد افغانیو په شاوخوا کې مصرف شوي او د ملي امنیت ادارې او پراتیفي کوډ ته د قانون په رڼا کې لېږدول شوي دي. بلخوا ولسي جرگه ادعا کوي چې حکومت د ۹۱ کوډ څخه مصرف شویو پیسو په اړه باید جزیات له هغوی سره شریک کړي. مگر د مالیې وزارت ویاند پر وینا د ملي امنیت ادارې څخه د مصرف شویو پیسو په اړه ولسي جرگه، ولسمشر او په خپله د مالیې وزارت هم نه شي کولی وضاحت واخلي او لامل يې په ملي کچه د سري معلوماتو پټ ساتل ښيي. که وکتل شي رښتیا هم د ولسي جرگې غړو سره د ۹۱ کوډ څخه د مصرف شویو پیسو په اړه داسې کره شواهد نه شته چې گواکې حکومت دې په فساد کولو تورن کړي. ځکه حکومت بیا ادعا کوي چې ځکه يې ۹۱ کوډ ته پیسې لېږدولي چې د غزني او کندوز ولایتونه سقوط او فراه ولایت بیا د سقوط گواښ سره مخ شول نو اړینه وه ترڅو امنیتي ادارو ته پر وخت مرستې ورسپړي. که چېرته د مالیې

¹ <https://www.youtube.com/watch?v=X3uT4GVb1sA>

² <https://www.youtube.com/watch?v=iU5nTuAG7hw>

وزارت په ورته امنیتي حالاتو کې امنیتي ادارو سره د مرستې په اړه د ولسي جرگې تائید خپلوي، دا به وخت نيسي او امنیتي گواښونو ته په کتو به یې له گټې زیان ډېر وي. خو بلخوا که وکتل شي په امنیتي ادارو کې په خپله ولسمشر او د امریکا سفیر دا تائید کړه چې فساد شتون لري. که څه هم د هېواد امنیتي گواښونو او پېښو اټکل به ستونزمن وي، د دې لپاره چې د ۹۱ کود پيسې امنیتي گواښونو په بهانه له حده ډېرې و نه ویستل شي، باید د قانون په چوکاټ کې یو آزاد کمیسیون ورته جوړ شي، ترڅو د یادو پیسو مصرف په برخه کې سمه ارزيايي ورځنې وشي. دغه کمیسیون چې د ولس استازي یې باید استازیتوب وکړي کولی شي د هغې بهانې مخه هم ډب کړي، کوم چې د مالیې وزارت یې په اړه څرگندونې کوي او وایي چې ملي امنیت اداره نه شي کولی سري او پټ معلومات شریکولو په اړه د ۹۱ کود جزیات شریک کړي. د دې کمیسیون جوړېدو سره به د ولس هغو استازو نیوکو او تشویشونو ته هم رسیدگي وشي کوم چې د ۹۱ کود څخه په تېرو ولسمشریزو ټاکنو کې د یو ځانگړي انتخاباتي ټکټ کمپاینونو په برخه کې د گټې اخیستنې په اړه تورونه لگوي.

د ۱۳۹۹ز کال بودیجه

د ۱۳۹۹ز کال بودیجه چې د مالیې وزارت لخوا ۴۲۸ میلیارده افغانۍ اټکل شوې^۳، ۲۸۹ میلیارده یې عادي او ۱۳۹ میلیارده افغانۍ یې پراختیایي بودیجه ده چې د مالیې وزارت شمېرو له مخې د ۱۳۹۸ز کال په پرتله یوولس سلنه زیاتوالی نسي. په دې کې ۲۰۸.۹ میلیارد افغانۍ چې د ټولې بودیجې ۴۸ سلنه جوړوي د ملي عوایدو څخه ترلاسه شوي دي. د افغانستان اقتصادي وضعیت ته په کتو اړینه وه، ترڅو ولسي جرگې په خپل وخت بودیجه تصویب کړې وه. ترڅو له یوې خوا د دولتي کار کوونکو معاشونه پر وخت ورکړل شوي وو او له بلې خوا هغه پراختیایي پروژې چې حکومت یې د پلي کېدو لپاره بودیجه ځانگړې کړې په خپل وخت یې کارونه پیل شوي وو. مگر د ولسي جرگې رئیس میر رحمان رحمانی بیا د نورو ستونزو ترڅنگ د روان کال بودیجه د ولایتونو په کچه بې اندوله بولي، او وایي چې ملي بودیجه باید د لومړي، دویمې او درېیمې درجې سیمو او ولایتونو په حساب و نه ویشل شي ځکه زیات شمېر ولایتونه د همدې وېش پر بنسټ له محرومیت سره مخ دي.^۴ په تېرو څو کلونو کې لیدل کېږي چې حکومت د بودیجې تصویب وروسته په پراختیایي بودیجه کې یو لړ بدلونونه راوستي. ځینې ملي پروژې چې بودیجه ورته ځانگړې شوې تر اوسه یې کارونه نه دي پیل شوي او یا یې کارونه سرته نه دي رسیدلي. سړ کال هم حکومت ۵۹۸ پروژې اعلان کړي، په داسې حال کې چې په دې کې ۵۳۹ انتقالی پروژې دي یعنې د تېرو کلونو پروژې او یوازې ۵۹ نوې پروژې دي چې په راتلونکې کې به ولیدل شي چې کارونه یې په کوم ډول پرمخ ځي.

^۳ <https://www.facebook.com/mof.gov.af/posts/2969315009765899>

^۴ <http://wj.parliament.af/pashto.aspx>

^۵ <https://www.youtube.com/watch?v=peVuJO8HTal>

پایله

حکومت باید د ملي بودیجې پراختیایي برخې لپاره د ټولو ولایتونو په سطحه د خلکو غوښتنو او مشورو ته په کتو پراختیایي بودیجه وټاکي. که څه هم په دې برخه کې د کابل، ننگرهار، قندهار، هرات او مزار شریف په ګډون د شاوخوا لسو ولایتونو یو شمېر خلکو سره ناستې ترسره شوي دي.⁶ حکومت باید په راتلونکې کې د هېواد په کچه د ټولو ولایتونو خلکو مشورې او غوښتنې په پراختیایي بودیجه کې ځای پر ځای کړي. داسې نه چې د سیاسي موخو او انتخاباتي کمپاینونو ته په کتو ملي پروژې ځانګړو سیمو ته ولېږدوي. د پراختیایي بودیجې په برخه کې حکومت باید ملي ګټو ته په کتو بدلونونه منځ ته راوړي او هیڅ د شک ځای پرېږدي. د دې ترڅنګ د دې لپاره چې په راتلونکې کې یوه علمي او عملي ملي بودیجه ولرو، هغه کړنلارې او معیارونه چې د بودیجې جوړولو په برخه کې اړین دي باید په پام کې ونیول شي. د بېلګې په توګه حکومت باید د کره احصایوي شمېرو چمتو کولو لپاره په لنډ مهالي او اوږدمهالي پلانونو کار پیل کړي. که څه هم په دې برخه کې یو څه کار شوی، مګر په ډېرو اړینو برخو کې مرستندویه نه شي واقع کېدلی. که چېرته حکومت کره احصایوي شمېرې په لاس کې ولري، دا کار کولی شي د ولایتونو په کچه د بودیجې ویش متوازن کړي. رسنۍ، مدني ټولني او د فساد ضد ادارې باید د بودیجې په برخه کې د عامو وګړو لپاره هر اړخیزه پروګرامونه په لاره واچوي، ترڅو عام وګړي په بودیجه کې د خپلو نظریاتو او غوښتنو شریکولو حق څخه خبر او اړوند اړخونه د بودیجې جوړولو او پر ځای لګولو په برخه کې خپلو کارونو ته متوجه کړي.⁷

ارتباط با ما:

ایمیل: csrskabul@gmail.com - info@csrskabul.comویب سایت: www.csrskabul.com -- www.csrskabul.af

شماره تماس دفتر: + 93 (0) 784089590



لطفا نظریات و پیشنهادات خود را جهت بهبود مطالب این نشریه به ما ارسال دارید.

⁶<https://mof.gov.af/ps/%D8%AF-%DB%B1%DB%B3%DB%B9%DB%B9-%D9%85%D8%A7%D9%84%D9%8A-%DA%A9%D8%A7%D9%84-%D9%BE%D9%87-%D9%85%D9%84%D9%8A-%D8%A8%D9%88%D8%AF%DB%8C%D8%AC%D9%87-%DA%A9%DB%90-%D8%AF-%DA%A9%D8%A7%D8%A8%D9%84-%D8%AE%D9%84%DA%A9%D9%88-%D8%AF-%D8%A7%DA%93%D8%AA%DB%8C%D8%A7%D9%88%D9%88-%D8%B4%D8%A7%D9%85%D9%84%D9%88-%D9%BE%D9%87-%D9%85%D9%88%D8%AE%D9%87-%D9%84%D9%87-%D8%AF%D9%88%DB%8C-%D8%B3%D8%B1%D9%87-%D8%AF-%D8%AD%DA%A9%D9%88%D9%85%D8%AA-%D9%85%D8%B4%D9%88%D8%B1%D8%AA%D9%8A>

⁷<https://iwaweb.org/pa/%D8%AF-%DB%B2%DB%B0%DB%B1%DB%B5-%DA%A9%D8%A7%D9%84-%D8%AF-%D8%B3%D9%BE%D8%AA%D9%85%D8%A8%D8%B1-%D8%AA%D8%B1-%DB%B3%DB%B0-%D9%85%DB%90-%D9%86%DB%8C%D9%BC%DB%90-%D8%AF-%D8%B3%D9%87%D8%A7%D8%B1-%D8%AA/>